

**مهدتی در حسرت "هیروشیما و ناکازاکی" دیگر**

در شرایطی که ترس و نگرانی از بمباران و جنگ مردم ایران و منطقه را در نگرانی عمیقی فرو برده است، در اوضاعی که زیر تهدیدات دولت امریکا و در راس آن ترامپ به شلیک و تهدیدات متقابل سران جمهوری اسلامی به مقابله تمام عیار فضای سیاه جنگ و ویرانی و کشتار بر ایران سایه انداخته است، هواداران حمله نظامی به ایران فعال شده و رسماً و علناً خواهان وسیعترین تحریمها و همزمان حمله نظامی دولت امریکا میشوند. پس از درخواست رسمی رضا پهلوی

صفحه ۴

**توطئه دولتهای جنایتکار علیه مردم در کردستان سوریه**

طی چند روز گذشته شاهد حملات مستمر حکومت جنایتکار احمد الشرع به محلات کردنشین شهر حلب و تحمیل درگیریهای شدید نظامی در این مناطق بودیم که در نتیجه آن ده ها نفر جان خود را از دست دادند، صدها نفر زخمی و هزاران نفر آواره شدند. حملاتی که با حمایت سیاسی و نظامی دولت ترکیه، با توافق و چراغ سبز امریکا، اسرائیل و تعدادی از

صفحه ۵

**اوضاع مخاطره آمیز کنونی، چشم انداز و وظایف ما****متن انگلیسی**

صفحه ۶

**"کنگره سراسری شوراهای مردمی"****آلترناتیو مردمی پس از جمهوری اسلامی**

۳ اوت ۲۰۲۱ (۱۲ مرداد ۱۴۰۰)

جامعه ایران، طی چهار سال گذشته، از دیماه ۹۶ تا به امروز، و بویژه از تیر- مرداد ماه سال جاری، بطور سراسری و پیوسته، قدم به قدم خلاصی از جمهوری اسلامی ایران به قدرت مردم، را نزدیک و نزدیکتر می‌کند! این سیر خلاصی از جمهوری اسلامی، طی چهار سال گذشته، مستقیم، بلاواسطه، رو در رو، توسط اعتصابات کارگری و اعتراضات مردمی، جمهوری اسلامی ایران را به لبه پرتگاه سقوط و سرنگونی کشانده است!

اعتراضات و مبارزات مردمی، که نه علیه "یک پال" نظام و "یک شخص" و "یک نهاد" جمهوری اسلامی، که علیه تمام نظام و کل هیئت حاکمه با همه ابزارهای اعمال قدرت خود، هر روز قوی‌تر و وسیع‌تر و متوقع‌تر به میدان آمده‌اند! اعتراضاتی که دست همه نیروهای ضدمردمی و مخرب جهانی و منطقه‌ای را از بحران‌های سیاسی ایران کوتاه کرد و بالاخره دخالت طبقه کارگر و مردم آزادیخواهی که دست قدرت‌ها و جریاناتی که در منطقه بدنیاال منافع خود ریاکارانه تحت عنوان پروژه‌های "آزادسازی" ایران دو دهه علیه آینده‌ای "آزاد و مرفه و امن" میدان‌دار بودند، را از تحولات جاری و سیر خلاصی مردم ایران از حاکمیت چهل و دو ساله جمهوری اسلامی ایران، کوتاه کرد!

صفحه ۳

hekmatist.com


**حکمتیست**  
**هفتمی ۵۹۷**

۲۲ ژانویه ۲۰۲۶ - ۲ بهمن ۱۴۰۴

**جنبش برابری طلبانه زیر فشار دو ارتجاع****خالد حاج محمدی**

بیش از سه هفته از شروع اعتراضات به افزایش ارزش دلار و گرانی، می‌گذرد. ده روز شهرهای مختلف ایران شاهد اعتراضاتی توده‌ای برای رفاه و بهبود معیشت، برای آزادی و خلاصی از جمهوری اسلامی بار دیگر سرها را به طرف مردم در ایران و جدال شان برای آزادی چرخیده شد. اعتراضاتی که به سرعت به صحنه جدال دستگاه سرکوب و نیروهای باند سیاهی و به راه انداختن حمام خون در خیابانها تبدیل شد. اعتراضی که میرفت نوید دور جدیدی از تعرض به فقر و استبداد را بدهد به کابوسی هولناک برای مردم ایران تبدیل شد.

اعلام رسمی سیاست "فروپاشی جمهوری اسلامی"، تلاش برای هایجک کردن اعتراضات توده‌ای، توسط دولت اسرائیل و سازمان امنیت آن، موساد، فراخوانهای هماهنگ شده با آن توسط اپوزیسیون ارتجاعی، از فراخوان به "قیام مسلحانه" تا فراخوان به حمله به موسسات دولتی به امید "کمک رسانی ترامپ" و تلاش در عملی کردن این فراخوانها، در کنار حضور گسترده دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی در خیابانها هزاران نفر از مردم بیگناه را قربانی جدال دو دولت ارتجاعی و نیروهای نیابتی آنان کرد.

روانه کردن ارتش برای سرکوب، به نام دفاع از "میهن"، قطع اینترنت، پادگانی کردن شهرها و کشتار و دستگیری و اولین عکس العمل جمهوری اسلامی به این اعتراضات و تلاش برای هایجک کردن آن بود.

با گذشت سه هفته از این اعتراض و کشتار، هنوز هیچ آمار دقیقی از کشته شدگان و قربانیان این ده روز در دست نیست. اطلاع رسانی قطره چکانی جمهوری اسلامی و افزایش دائمی آمار آن و یا آمار دستگاه تبلیغاتی اپوزیسیون ارتجاعی و دست راستی در غرب، با هدف زمینه سازی برای حمله امریکا، نه قابل اتکا است و نه قابل اعتماد. اما حقیقت غیرقابل انکار قربانی گرفتن هزاران نفر توسط هر دو قطب ارتجاعی از مردم بیگناه، از جوانانی که جز آینده مملو از فقر و فلاکت و خفقان را در مقابل خود نداشتند، جوانانی که با امید رسیدن به رفاه و آزادی به خیابانها آمدند، است. قربانیانی



# آزادی برابری حکومت کارگری



که در درجه اول جمهوری اسلامی و سپس دولتهای ارتجاعی، پادوهای آنان در اپوزیسیون، از رضا پهلوی و مجاهد تا باندهای فاشیست "کرد"، "بلوچ"، "سنی" و ... و میدیای دست راستی است.

مستقل از میزان قربانیان، این جدال و سرکوب عملاً شرایط را برای تحمیل احساس شکست و استیصال به مردم توسط جمهوری اسلامی فراهم کرد. عر و تیزهای جمهوری اسلامی مبنی بر "پیروزی بر اسرائیل و آمریکا"، تلاش دارد "قدرت جمهوری اسلامی" را در مقابل مردم معترض، در مقابل طبقه کارگری که در جدال برای رفاه و آزادی پیشروی میکرد و در مقابل جنبشی که عقب نشینی های جدی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده بود، به رخ بکشد. تلاش برای دامن زدن به بی قدرتی، به عدم اعتماد به نفس مردم و به تسلیم کشاندن آنان، در کنار سرکوب و پادگانی و امنیتی کردن زندگی مردم تلاش امروز جمهوری اسلامی است. تبلیغات رسانه های حکومتی امروز از این هم فراتر رفته است و بیشرمانه اعتراضات توده ای و انقلابی شهریور ۱۴۰۱، پس از قتل حکومتی مهسا امینی، را هم به "توطئه دولتهای اسرائیل و آمریکا" نسبت میدهد.

فضای تبلیغاتی، رسانه ها و پیام سران جمهوری اسلامی، التماس آنها از مردم معترض به آرامش، وعده بهبود اقتصادی و اینکه مردم "حق اعتراض دارند و رسیدگی خواهیم کرد"، جای خود را به تهدید مقابله با "اعتشاشگران و تروریستهای اسرائیل" و "عوامل مزدور" داد. در یک چشم بهم زدن جوان معترض به "تروریست" تبدیل شد و جدال مردم با جمهوری اسلامی در تبلیغات حکومتی جای خود را به "جنگ با اسرائیل و موساد"، "جنگ با دولت ترامپ" و سازمان سیا و دفاع از "ایران و امنیت مردم" داد.

اما این کل ماجرا نیست! جدال دو قطب ارتجاع که یکی به نام "مردم ایران" و "مقابله با جمهوری اسلامی" و دیگری به نام "دفاع از وطن" و "مقابله با آمریکا- اسرائیل" و حمله آنها به ایران و مباران ... در جریان است، مستقل از تاثیرات مخرب آن بر فضای انقلابی و اعتراضی جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی، طیف قابل توجهی از مخالفان حاکمیت را از ترس سوریه ای و لیبی و عراقیزه کردن ایران، برای حفظ وضع موجود در کنار جمهوری اسلامی قرار داد. این حقیقت در جنگ ۱۲ روزه هم اتفاق افتاد و طیفی از مخالفان جمهوری اسلامی به نام "دفاع از وطن در مقابل حمله خارجی"، در کنار حاکمیت قرار گرفتند. عده ای رسماً اعلام کردند که مخالف جمهوری اسلامی هستند و اما حمله و بمباران ایران خط قرمز آنها است و به امثال رضا پهلوی و حامیان اسرائیل و حمله نظامی لقب "خائن" و "وطن فروش" اعطا کردند.

جمهوری اسلامی مستقل از شرایط حساس کنونی و کشمکش خود با آمریکا- اسرائیل و مستقل از تهدیدات ترامپ و دولت او در حمله به ایران، مستقل از تلاش همه جانبه اسرائیل برای ناامن کردن ایران و راه انداختن جنگهای قومی، مذهبی، ترور و ... از این شرایط برای وسیعترین حملات به طبقه کارگر و جنبش برای طلبانه مردم استفاده خواهد کرد. فضای جنگی و تهدید و تبلیغات همه جانبه و زنده بودن خطر حمله به ایران، جنگ جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران با طبقه کارگر و بخش محروم جامعه را تسهیل کرده و حکومت ایران روی آن سرمایه گذاری کرده است.

این حقایق شرایط فعالیت ما و جنبش برابری طلبانه در جامعه ایران را به مراتب سخت تر کرده است. ما اکنون عملاً در جدال با جمهوری اسلامی وارد دوره ای از جدال مستقیم با اپوزیسیون ارتجاعی شده ایم. اپوزیسیونی که عملاً زیر سیاست آمریکا- اسرائیل به عنوان جریانات باند سیاهی عرض اندام کرده اند.

جنبش آزادیخواهان در ایران راهی جز اینکه در جدال خود با جمهوری اسلامی همه جانبه برای کوتاه کردن دست دولتها و عوامل آنها از جامعه ایران بکوشد، ندارد. رضا پهلوی، مجاهد، "جبهه مردمی بلوچستان"، "سپاه ملی کرد"، باند زحمتکشان عبدالله مهندی و صفی از مرتجعین طرفدار حمله نظامی و تحریمهای وسیع اقتصادی از راست ترین تا چپ ترین آنان، در مقابل جنبش ما صف بسته اند. اینها در کنار جمهوری اسلامی در مقابل جنبش آزادیخواهان مردم در ایران، در مقابل طبقه کارگر و مردم محرومی که برای آزادی و رفاه

تلاش سازمان یافته و رادیکال، در مقابل جنبش رهایی زن قرار گرفته اند. این واقعیتی است که امروز بخش آگاه جامعه به آن واقف است. این نیروها در بعد اجتماعی علیرغم حمایت همه جانبه میدیای "شرافتمند" غربی و ... توان زیادی ندارند و نیروی اجتماعی جدی نیستند. مردم محروم، کارگر و زن و جوان معترض و رادیکال این جامعه حول آنها و زیر پرچم ارتجاعی آنان جمع نمیشوند. با این وصف ظرفیت مخرب این جماعت که اقماری از آنان در همین مدت در تلاش برای بمباران ایران و حتی استفاده از بمب اتم، روی داعش را سفید کرده اند، را نباید دست کم گرفت. ایجاد فضای ناامن، ترور و خون پاشیدن به اعتراضات مردم با اتکا به امکانات مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و آموزشی دولتی مانند اسرائیل و به کمک میدیای فاسد، را هر گروه فکستی هم میتواند انجام دهد. اینها در جامعه ای بمباران شده و مردمی آواره و بی خانمان شده و گرسنه و مستاصل میتوانند به راحتی به عنوان داعش، النصر و القاعده های آینده ایران در کنار دهها باند مسلح خود جمهوری اسلامی، ایران را به مراتب بیشتر از لیبی به میدان کشتار و جنایت به نام "مذهب"، "ملت"، "خاک" و "وطن" کنند.

شأنس ما در این اوضاع وجود جنبشی برای برابری طلبانه و خودآگاه است که کارگر صنعتی محور آن است. جنبشی که افق آن آزادی و برابری و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با اتکا به نیروی پایین جامعه است. جنبشی که خواست و مطالبات فوری آن، رفاه و بهداشت عمومی جامعه، تب رایگان، برابری کامل زن و مرد، لغو مجازات اعدام، وسیعترین آزادی های سیاسی، حقوق کودک و برابری انسانها مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد و ... است. تقویت این جنبش و تلاش برای هر چه متحدر کردن پایین جامعه حول افق و مطالبات این جنبش، شکل دادن به انواع نهاد و تشکیلاتهای کارگری و مردمی در محل کار و محلات و هر جایی که ممکن است، گسترش شبکه های و محافل کمونیستی و رادیکال در این جامعه و در این نهادها، با پیش گذاشتن رهبران رادیکال و سوسیالیست و آگاه جامعه به عنوان سخنگویان جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر برای هدایت جنبش اعتراضی، همگی کار مهم ما است. این تنها راه برای مقابله با جمهوری اسلامی و همزمان کوتاه کردن دست دولتها و نیروهای نیابتی آنها از زندگی و مبارزه مردم ایران است.

تحولات زیر و رو کننده ای در جهان در راه است. جهان در در دل کشمکشهای بزرگ قدرتهای جهانی و منطقه ای، وارد دوره تاریکی شده که تمام مرزهای اخلاقی بشریت متمدن را زیر پا گذاشته است. دنیایی که در دل فروپاشی قطب پیروز، "جهان آزاد" به رهبری آمریکا، با رئیس جمهور فاشیست و نژاد پرست آن، و مشتکی از گانگسترهای نظامی و باندهای جنایتکار جنگی در راس کشورهای مختلف، جنگ و میلیتاریسم و فقر و تباهی همه جانبه را به بشریت تحمیل کرده است. اما در همین جهان ما شاهد يك بیداری وسیع جهانی از طبقه کارگر و بشریت متمدن، علیه این توحش و بربریت و جنایت و خونریزی، علیه نسل کشی، علیه این درجه از فقر و بی حقوقی، این درجه از بی رحمی و قساوت هستیم. ایران در این مدت یکی از مراکز و کشورهای ابستن تحولات انسانی و برابری طلبانه بوده و در سراسر جهان مورد توجه و حمایت بشریت متمدن قرار گرفته است. نباید اجازه داد این نقطه امید توسط دولتهای جنایتکار از جمهوری اسلامی تا قصاب مردم فلسطین و دولت جنایتکار آمریکا و پادوهای بی مایه و گوش به فرمان آنها کور شود.

۲۲ ژانویه ۲۰۲۶

# نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

## "کنگره سراسری شوراهای مردمی"

در این جدال سرنوشت‌ساز برای آینده‌ای "مرفه، آزاد و امن"، برخلاف انقلاب پینین و تجربه به زیرکشیدن حاکمیت پینین، مردم خواست‌ها و توقعات خود از آینده پس از خلاصی از جمهوری اسلامی را به روشنی بیان و اعلام کرده‌اند! "رفاه، آزادی و امنیت"، "اداره شورایی"، خواسته‌هایی است که در هر دم و بازدم تقابل کمپ مردم آزادیخواه علیه کمپ ارتجاع در قدرت، خود را به اشکال مختلف و در سطوح مختلف بیان می‌کند. این خواست‌ها، امروز عملاً به وجدان آگاه جامعه ایران برای دستیابی به فردایی به دور از فقر و محرومیت و نابرابری و اختناق، تبدیل شده است.

خواست‌های آزادی، رفاه، برابری، امنیت و اداره شورایی که بیش از چهار سال است قدم به قدم و روز به روز شفافتر و روشن‌تر به پرچم یک همبستگی سراسری در ایران تبدیل شده است، محصول پیشرویی‌های جنبش کارگری و جنبش‌های اعتراضی عمیقی است که علیرغم خشن‌ترین سرکوب‌ها و تحمیل زخم‌ترین محرومیت‌ها، حتی یک‌روز هم میدان جدال برای رسیدن به مطالبات انسانی جامعه را ترک نکردند! جنبش‌هایی که نه خودبخودی و بی‌سازمان و نه بدون رهبری اند!

پیشرویی‌هایی که خود محصول شکل‌گیری کانون‌ها، شبکه‌های مبارزاتی، مجامع عمومی، شوراهای سازمان‌هایی است که توسط پیشروترین شخصیت‌ها و دست‌اندرکاران و سازمان‌دهندگان اعتراضات و اعتراضات در جریان، طی چهار سال گذشته قدم به قدم شکل گرفته است و علیرغم صدها و صدها ممنوعیت و فشار، موجودیت خود را عملاً به حاکمیت تحمیل کرده‌اند!

این واقعیت ضامن پیشروی تا به امروز جدال مردم با قدرت مخرب بالای سرشان بوده است! تا جایی که امروز خواست شورا و اداره شورایی، بعنوان تنها شکل اعمال اراده توده‌ای و دموکراتیک مردمی، به خواستی ملموس، قابل دسترس و قابل اعتماد تبدیل شده است!

دخالیت جمعی، خرد جمعی، سازماندهی و رهبری جمعی، از طریق مجامع عمومی کارگری و هدایت طیفی از نمایندگان و شخصیت‌های شناخته شده و پیشروان جامعه، اعمال اراده مردمی در شوراهای امروز دیگر در گرماگرم مبارزه در حال اجرا است!

شوراهای مردمی، نه برای فریاد پس از جمهوری اسلامی، که بعنوان سازمان موجود مبارزاتی، قابل تشکیل و قابل اجرا، و برای بکارگیری، دخالت و تضمین و تامین شرکت همگانی مردم در پیشبرد سمت و سوی مبارزه در جریان، امروز یک نیاز و واقعیت غیر قابل انکار است!

امروز اداره شورایی جامعه، بعنوان تنها ضامن دخالت همگانی و دموکراتیک مردمی، علاوه بر "نه به جمهوری اسلامی" به یک "آری" روشن و به خودآگاهی مردم آزادیخواه در امکان شکل‌دادن به یک ساختار دموکراتیک و مردمی، تبدیل شده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) با به رسمیت شناختن این واقعیات و برای تضمین پیروزی مردم آزادیخواه در مقابل جمهوری اسلامی و شکست کامل آن و با اتکا به آلت‌رناتیوی که ریشه در جدال‌های امروز مردم برای دستیابی به آزادی، رفاه، امنیت دارد، "کنگره سراسری شوراهای مردمی" را تنها آلت‌رناتیوی مردمی و تنها ضامن دخالت همگانی مردم ایران در تعیین سرنوشت خود، امروز و در فریاد پساجمهوری اسلامی ایران می‌داند.

"کنگره سراسری شوراهای مردمی" که در شرایط ضعف قطعی حکومت، فروپاشی، انقلاب، سرنوشتی و... بی‌درنگ بعنوان آلت‌رناتیوی قدرت برخاسته از جامعه و بعنوان دولت جایگزین، اعلام موجودیت می‌کند و کنترل جامعه را، به نمایندگی از مردم ایران، مردم متشکل در شوراهای مردمی، بدست می‌گیرد!

"کنگره سراسری شوراهای مردمی" به محض امکان، بلافاصله و بی‌درنگ بعنوان دولت قانونی، به منظور پاسخ به نیازهای مردمی که برای دستیابی به این نیازها جمهوری اسلامی را به زیر کشیده‌اند، اقدامات فوری زیر را عملی می‌کند:

- ۱- اعلام موجودیت خود بعنوان قدرت حاکم، بعنوان دولت رسمی و قانونی در ایران تا برگزاری رسمی و علنی "کنگره موسس حکومت آتی"!
- ۲- تامین قدرت دفاع از خود شوراهای مردمی در برابر توطئه‌های ارتجاع مغلوب و سایر نیروهای ارتجاعی و ضد مردمی و دفاع از اعمال اراده مستقیم مردم انقلابی!
- ۳- اعلام آزادی‌های بدون قید و شرط سیاسی، آزادی فعالیت احزاب و

نیروهای سیاسی با هر آرا و افکاری در شوراهای مردمی برای ارائه برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود و جلب اعتماد شوراها به این برنامه‌ها!

۴- کمک به شکل‌گیری و رسمیت یافتن فوری شوراهای محل کار و محل زیست، کارگری، کارمندی و... در سراسر ایران، طی مدت حداکثر شش ماه!

۵- لغو تمام قوانین تبعیض‌آمیز بر مبنای جنسیت، مذهب و قومیت! تضمین آزادی مذهب و بی‌مذهبی و برابری کامل شهروندان!

۶- تامین معیشت، بهداشت، سلامت، مسکن و امنیت همه مردم در سراسر ایران، با اتکا به منابع اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امکانات موجود در جامعه از طریق نظارت شوراها بر تولید و توزیع!

۷- اعلام حاکمیت موقت "کنگره سراسری شوراهای مردمی" ایران به نهادهای بین‌المللی و دولت‌های جهان!

۸- لغو تمام قراردادهای اسارت‌بار سیاسی، اقتصادی و نظامی، اعلام آشتی با همه کشورهای همسایه، دولت‌ها و مردم در کشورهای مختلف!

۹- اعلام ممنوعیت دیپلماسی مخفی و قطع کامل هر نوع کمک و حمایت مادی و تسلیحاتی به دولت‌ها و نیروهای سیاسی و نظامی در منطقه و جهان!

۱۰- برگزاری رسمی و علنی اولین "کنگره موسس حکومت آتی" با شرکت نمایندگان منتخب شوراها در سراسر ایران، برای تدوین قانون اساسی و شکل دادن به نهادهای حاکمیت مردمی طی شش ماه پس از قدرت‌گیری!

حزب حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان یک حزب کمونیستی که برای انقلاب کارگری مبارزه می‌کند، تنها راه شرکت و دخالت در قدرت سیاسی را برای خود، از طریق شرکت در به قدرت رسیدن ارگان‌های مردمی، ارگان‌های دموکراتیک شوراهای مردمی می‌داند و تلاش خواهد کرد که تنها آلت‌رناتیوی رادیکال و موجود جامعه ایران، یعنی "کنگره سراسری شوراهای مردمی"، را به قدرت نزدیک کند!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳ اوت ۲۰۲۱ (۱۲ مرداد ۱۴۰۰)



سایت رادیو: [radioneena.com](http://radioneena.com)

کانال یوتیوب: [youtube.com/@radioneena60](https://www.youtube.com/@radioneena60)

@radioneena60

تلگرام: [t.me/RadioNeenna](https://t.me/RadioNeenna)

اینستاگرام: [instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

فیسبوک: [facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)

### مهدی در حسرت "هیروشیما و ناگازاکی" دیگر

و وعده او به مردم ایران که در خرابانها بمانید "کمکهای" ترامپ، در راه اند، عبدالله مهدی یکی از فعالین این میدان و از جمله کسانی بود که همراه شیرین عبادی و تعدادی دیگر، طی نامه ای به ترامپ در خواست اجرای قول خود مبنی بر حمله نظامی به ایران کردند.

شیرین عبادی خواهان ترور سران جمهوری اسلامی، به نام "نقطه زنی"، شده و عبدالله مهدی بیشرمانه خواهان حمله نظامی و حتی بمباران اتمی ایران میشود.

بی بی سی در این زمینه و در مصاحبه ای در مورد حمله نظامی به ایران سوال میکند.

مهدی پس از فرار چندباره از جواب صریح به دفاع یا عدم دفاع از حمله نظامی، بالاخره میگوید:

"من هم عقیده نیستم با آقای بروجردی (بروجردی مخالف حمله نظامی است و حمله به افغانستان، عراق، لیبی و سوریه را مثال می آورد)، ببینید نه فقط مثال کوسوو در مورد ما صادق است مثال آلمان فاشیست هم صادق است، هیتلر را میشد بدون حمله آمریکا و بریتانیا و متفقین برکنار کرد؟ میشد مردم آلمان را به حال خودشان رها کرد؟ آیا آلمان بعد از مداخله آمریکا استقلالش را بدست آورد یا استقلالش را از دست داد؟" در ادامه میگوید، "ژاپن بمب اتم از آمریکا دریافت کرد بعد الان يك کشور آزاد و دمکرات و پیشرفته و متحد آمریکا است، متحد جهان غرب است"

بی تردید دفاع عبدالله مهدی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران و به نام نجات مردم امر جدیدی نیست، دفاع از حمله اسرائیل و آمریکا و توجیه حمله و بمباران مناطق مسکونی مردم، پوشش ضدیت با جمهوری اسلامی را کسی فراموش نکرده است. اما سخنان اخیر وی، عمق ارتجاع، تباهی و ضدیت آشکار او و باند مخربش با زندگی مردم و همزمان ظرفیت جنایتکارانه او را به نمایش میگذارد.

مهدی نه تنها خواهان گسترش هرچه وسیعتر تحریم ها است، نه تنها خواهان حمله نظامی به ایران است، بلکه و به علاوه در حسرت خلق فاجعه انسانی هیروشیما و ناگازاکی و کشتار چند صد هزار نفر در یک چشم بر هم زدن در ایران است و در اوج بیشرمی و وقاحت در وصف تأثیرات این کشتار و تنها مورد استفاده از بمب اتم کنجروانی میکند. این درجه از افسار گسیختگی عبدالله مهدی را حتی سران جنایتکار جمهوری اسلامی، سران فاشیست اسرائیل و شخص ترامپ هم به زبان نمی آوردند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن محکوم کردن مهدی و جریان باند سپاهی و گانگستر او، به مردم کردستان و هر نیرویی که خواهان حفظ مدنیت و جامعه است، در مورد ظرفیت باند سپاهی این جریان و نیروهای دیگر مانند "حزب پاک"، "پژاک" و .. هشدار میدهد. حزب ما به کرات در مورد گروههای باند سپاهی و جنایتکار و ظرفیت آنان در به تباهی کشیدن زندگی مردم هشدار داده و ضرورت افشا و منزوی کردن آنها را به نیروهای سیاسی بویژه در کردستان یادآوری کرده است و هشدار داده که هر نوع همکاری با این نیروها خواسته یا ناخواسته مشروعیت دادن به آنها و سیاستها و نقش ارتجاعی آنان است.

امروز که این جریانها عملاً به عنوان مهره و عنصر فعال برنامه های به خون کشیدن جامعه و راه انداختن جنگهای ویرانگر توسط دولتهای ارتجاعی چون آمریکا و اسرائیل دست به کار شده اند، باید مسئله را بسیار جدی تر گرفت. این باندهای ارتجاعی در بعد اجتماعی بی نفوذ و بی اعتبار و بی ریشه اند اما این حقیقت نباید ظرفیت ارتجاعی آنان در خون پاشیدن به زندگی و مبارزه مردم، تعرض به زندگی و امنیت مردم را از چشم پنهان کند.

ما یکبار دیگر همه نیروهای سیاسی در کردستان را به فاصله گرفتن از این نیروها و منزوی کردن آنان فرا میخوانیم و اعلام میکنیم هر نوع همکاری با این باندها اعتبار و مشروعیت دادن به باندهای جنایتکار به نام نیروی سیاسی و فراهم کرد زمینه برای ایفای نقش آنها در اجرای توطئه های ارتجاعی علیه مردم در کردستان و سرتاسر ایران است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳۰ دیماه ۱۴۰۴ - ۲۰ ژنویه ۲۰۲۶

این تصویر که ایران یک ائتلاف شکننده از اقوام و ملل است که گویا منتظرند دولت مرکزی ضعیف بشود تا هر کدام ساز خود را بزنند و "دولت خود" را بخواهند تصویر واقعی نیست. اما در صورت به هم ریختن شیرازه مدنی جامعه و معلق شدن زندگی اقتصادی متعارف، آنگاه این که عده ای از سر استیصال راه نجات خود را در هویت ملی و ناسیونالیسم و سوا کردن خرجشان جستجو کنند غیر ممکن نخواهد بود. قالب ملی و قومی در درجه اول میتواند بعنوان عکس العملی به جریانات شوونیستی و فاشیستی برجسته بشود. عظمت طلبها و آریایی پرستهای متعصب، کسانی که تقدس "تمامیت ارضی" ورد زبانشان است، میتوانند این مسأله را به مردم تحمیل کنند. اگر بنا باشد با هر تکاتی که رنگی از قومیت و ملیت به خود بگیرد یکی در تهران هیاهو راه بیاندازد و ژست بگیرد که "چکمه هایم را از پایم در نمیآورم" و اسم هر حرکتی را "غانله" بگذارد و بخواهد فشون کشی بکند، آنوقت آنطرف هم، بخصوص در این دوره و زمانه رشادت بورژواهای کوچک، آدم مشابه برای تضمین تبدیل شدن کشور به صحنه جنگ اقوام و قبایل کم نیست. منزوی کردن ملی گرایان و قومی گری در چنان شرایطی فقط از عهده جریانی ساخته است که آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی مردم را به جامع ترین شکل به رسمیت میشناسد، و لذا میتواند مطالبات و کش و قوسهای ملی را به یک مجرای سیاسی کانالیزه کند. نه کسانی که خود نماینده قوم پرستی و شوونیسم بخشهای دیگر جامعه اند. خلاصه کلام، کشمکشهای احتمالی بعدی در ایران میتواند در ادامه خود رنگ قومی هم بگیرد. اما این بستگی دارد به اینکه چقدر نیروهایی مثل ما اجازه بدهند که جریانات فاشیست، عظمت طلب، آریایی پرست و غیره در این پروسه میدان دار بشوند. تبلیغات وسیع و فعالیت دائمی ما علیه ناسیونالیسم و عظمت طلبی ایرانی و قوم پرستی و ملی گرایان تا همینجا با محدود کردن دامنه شلنگ تخته های این جریانات و با ایجاد حساسیت در میان چپ نسبت به ناسیونالیسم کمک زیادی به آینده کشور و سد کردن دورنمایی از نوع یوگسلاوی کرده است. این فعالیت باید همچنان با جدیت ادامه پیدا کند.

منصور حکمت

### توطئه دولت‌های جنایتکار علیه مردم در کردستان سوریه

کشورهای عربی منطقه، صورت گرفته است. وزارت دفاع دولت اسلامی سوریه طی اطلاعیه ای رسمی فتوای پاکسازی و کشتار مردم این مناطق را صادر کرده است. هدف از این فرمان، بازگرداندن اقتدار سیاسی، نظامی و امنیتی حکومت احمد الشرع به همه این مناطق و پایان دادن به حضور نیروهای سوریه دمکراتیک در منطقه است.

حمله نیروهای دولت اسلامی سوریه به رهبری احمد الشرع در حالی انجام می گیرد که زیر فشار آمریکا و به درخواست دولت ترکیه، مذاکراتی با حضور "توم باراک" فرستاده ترامپ در سوریه، "مسعود بارزانی" و "مظلوم عبیدی" در شهر اربیل عراق انجام گرفت. در این نشست از مظلوم عبیدی خواسته شد که نیروهایش را از مناطقی همچون "رقه و تبقه" که اکثریت ساکنین آن عرب زبان هستند عقب بکشد.

این درحالیست که روز یکشنبه ۱۸ ژانویه ۲۰۲۶ نیز با فشار و توافق دولت آمریکا و ترکیه شاهد امضای توافق نامه ۱۴ ماده ای جدید احمد شرع و مظلوم عبیدی (کوبانی) به نام آتش بس بودیم که تماما در خدمت دولت الشرع و عملا به حاشیه راندن و انحلال نیروهای دمکراتیک سوریه است.

بر اساس این توافق نامه تمام اعضای نیروهای سوریه دمکراتیک در ساختار وزارت دفاع سوریه به صورت "انفرادی" و پس از بررسی های دقیق امنیتی ادغام می شوند، دو استان دیرالزور و رقه بطور کامل به لحاظ اداری و نظامی به دولت سوریه واگذار می شوند، تمام نهادهای مدنی استان حسکه در نهادهای دولتی سوریه ادغام می گردند، کلیه میدان های نفتی به دولت سوریه واگذار می شوند، مدیریت زندان ها و اردوگاه هایی که خانواده های داعشی در آن نگهداری می شوند به دولت سوریه تحویل داده می شود و اعضای پ.ک.ک از خاک کردستان سوریه اخراج می گردند و ... لازم به ذکر است در همین چند روز و در دل مذاکرات و توافقاتی که شده است، دولت احمد الشرع عملا بخشی از زندانیان داعش را که در زندانی زیر نظر نیروهای دمکراتیک سوریه بودند، از زندان آزاد کرده اند و بدروغ ادعا کرده اند که خودشان فرار کرده اند.

تهاجم گسترده نظامی حکومت احمد الشرع و توافق نامه جدید در حالیست که نیروهای سوریه دمکراتیک (قسد) سالهاست به عنوان هم پیمان و متحد آمریکا و غرب کنترل بخش وسیعی از سوریه را در اختیار داشتند. تهاجم حکومت الشرع و در پی آن توافق نامه جدید ابتدا به ساکن نبوده و می تواند بخشی از پروژه خاورمیانه جدید از سوی آمریکا و اسرائیل باشد و بار دیگر این واقعیت را نشان داد که هر نوع خوشبختی با هم پیمانی با آمریکا و غرب می تواند چنین عواقب سنگینی برای مردم در پی داشته باشد. عقب نشینی سریع نیروهای سوریه دمکراتیک (قسد) از مناطق دیرالزور و رقه و زیر فشار گذاشتن آنان برای پذیرش توافقی نامه ۱۴ ماده ای که تماما در خدمت الشرع است از نتایج آن است. طبق اخبار پراکنده نیروهای دمکراتیک سوریه از تن دادن به توافقی نامه مورد اشاره پشیمان شده اند و اعلام کرده اند از منطقه زیر حاکمیت خود دفاع میکنند. اما در این چند روز تا اکنون شاهد حملات وحشیانه ارتش سوریه و نیروهای داعشی آنها به مناطق مردم کرد زبان هستیم. در شهرهای مختلف کردستان عراق و ترکیه مردم دست به تجمعات بزرگ در حمایت از مردم در کردستان سوریه و علیه دولت آمریکا و ترکیه به عنوان حامیان دولت جنایتکار الشرع و علیه لشکر کشی و حملات ارتش سوریه، زده اند.

چرخش ناگهانی در سیاست خارجی آمریکا در سوریه پس از اسد، بی استفاده ماندن بازی با کارت حقوق مردم کرد زبان توسط دولت دونالد ترامپ که اکنون دولت احمد الشرع در سوریه را همچون یک شرکت تجاری می نگرند، پایان تبلیغات مسموم دولت فاشیست اسرائیل و دلسوزان بی شرمانه و دروغین او برای مردم کرد زبان، نشان از این دارد که منطق تجارت و سود انوزی در سیاست قدرتهای بورژوازی منطقه ای و جهانی حرف اول را می زند و استفاده مقطعی و ابزاری آمریکا از جریانات ناسیونالیست کرد منطقه تنها در خدمت این سیاست است که عواقب آنرا مردم باید بپردازند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن محکوم کردن این تهاجم و وحشیگری، کشتار و جنایات حکومت احمد الشرع، از حق دفاع مشروع

مردم کردستان سوریه از زندگی و امنیت خود، حمایت می کند. ما نسبت به هر نوع تحریکات قومی و مذهبی از جانب دولت اسلامی حاکم بر سوریه، از طرف جریانات و گروه های قومی و مذهبی و باند سپاهی مختلف و شاخه های داعش و ... در این جامعه هشدار می دهیم. تحریکاتی که میتواند مردم محروم را به دشمن همدیگر در خدمت اهداف شنیع دولتها و باندهای قومی و مذهبی گانگستری بکشاند. ما همچنین از همه مردم ازادخواه در سراسر جهان می خواهیم که در قبال این جنایات، کشتار و هر نوع توطئه ای علیه مردم در کردستان سوریه اعتراض کنند. تنها با فشار مردم شرافتمند و ازادخواه میتواند ماشین جنگی و جنایات قدرتهای ارتجاعی بورژوازی را به عقب رانده و ازادی و امنیت مردم محروم در سوریه را تضمین کند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ ژانویه ۲۰۲۶ - ۳۰ دیمه ۱۴۰۴

**زادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوازی نوسازی و بازسازی شده اند.**

**ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژادپرستی، مردسالاری، همه و همه حربه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای خفه کردن و سربیزیر نگاهداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوازی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند.**

**برنامه یک دنیای بهتر**

**برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید**

## The current precarious situation, our prospects and tasks

The course of developments following the widespread protests against poverty and destitution has placed Iranian society in one of the most perilous periods of its political life.

Protests against rising prices and inflation quickly spread from Tehran's bazaar and turned into a mass protest against the architects of poverty and misery, the Islamic Republic, extending to other cities, and to other sections of society and universities.

A society that, prior to 27 December 2025, had witnessed the broadest, most organised, and most unified workers' protests in workplaces and centres of production against poverty and destitution and in defence of a humane and prosperous life, had seen an unprecedented unity among the protests of teachers, retirees, nurses, and others across Iran, was now faced with mass protests in cities throughout the country.

Efforts to link these protests with organised struggle became a priority for the organised sections of the working class. The support of independent labour organisations, teachers' and retirees' associations for the mass protests, and the continuation of workers' strikes in production centres in tandem with the street protests were clear indicators of this effort. This solidarity was on the verge of turning into a practical and social mobilisation capable of shaking the ground beneath the Islamic Republic, Iran's bourgeoisie, and the foundations of its capitalist order.

This solidarity and this conscious, purposeful effort to unite the protests of different segments of society constituted one of the most important characteristics of this period of people's struggle against poverty and destitution, over livelihood, welfare, freedom, and rid of the Islamic Republic.

The Islamic Republic's attempts to offer concessions, not only to the bazaar but also to the working class, its efforts to control the exchange rate, rising prices, and inflation, and its retreat in the face of this protest movement were all attempts to prevent the escalation and unification of the protests and, more importantly, to stop them from turning into an organised revolutionary movement to overthrow the ruling power, a revolutionary movement in which the working class played a central role.

The outbreak of the protests on 27 December and their rapid expansion provided the Islamic Republic's regional rival, the Israeli state, with an opportunity to advance its strategy of consolidating its hegemony in the Middle East by destabilising the region and weakening its rivals.

Creating insecurity and the "collapse of the Islamic Republic" form part of this strategy, which was initially pursued through military attacks and, in this period, through the militarisation of mass protests by the Israeli state. Relying on an informal coalition of reactionary forces within the opposition and using global propaganda apparatuses, this policy transformed mass protest into street clashes with the Islamic Republic's repressive forces, marginalising mass protests and workers', nurses', and other strikes, and paving the way for the violent intervention of the regime's repression machine and the bloodshed of the protests.

Forces whose attempts to turn the uprising of three years ago into a "regime change" project had been defeated by freedom-seeking women and men and radical youth, led by socialists and communists. These attempts exposed the weak capacity of these forces for mass mobilisation in a society of 90 million people, and in capturing power from within. This time these forces adopted, in line with the Israeli state's strategy, a policy of militarising mass protests for "collapse".

The Islamic Republic's announcement of deploying the army into the streets under the pretext of "defending the country" and "confronting" these gangs and "Mossad terror cells" transformed Iran's cities from the scene of a broad, nationwide struggle, the comprehensive struggle of the people to rid themselves of the Islamic Republic and achieve "freedom and equality", into scenes of massacre, terror, bloody repression, and street warfare.

At a time when Israel had officially declared that "our agents are in the streets," when Trump was threatening military strikes and attack, and when the Islamic Republic had officially announced that it would deploy the army, Reza Pahlavi's call on the Iranian people to "not abandon the streets" and that "Trump is ready to help you" was not only open support for a US military attack and the intervention of Mossad terrorists in mass protests. His designation of "government employees" as "legitimate targets" amounted to nothing less than calling the people into a civil war, in the name of "fighting the Islamic Republic," with the aid of American bombers.

The announcement of operations by the "Kurdish National Guard" outside Kurdistan under the banner of "defending the people," reports of operations by the Mojahedin's "Rebellion Units" in various cities and the propaganda surrounding them, the declaration of the number of "Mojahedin martyrs" in street clashes, and the announcement of military operations by the "Popular Fighters Front," composed of religious and nationalist gangs in Baluchistan, are not merely propaganda or adventurism. Nor are they simply irresponsible policies of sending unarmed and unorganised people into an unequal war. They represent conscious and planned participation in the Israeli state's strategy of the "collapse of the Islamic Republic" (the dark scenario) and the repetition of the scenario of Libya in Iran.

At the same time, Trump's playing of the Iran-attack card and the intensification of sanctions have further extended the dark shadow of deeper poverty, war, and bloodshed, turning the people's struggle in Iran to rid themselves of the Islamic Republic into a scene for these destructive and reactionary powers.

Before 6 January 2026, the people of Iran, with optimism, confidence in their own strength, and relying on the achievements of the uprising of the 2022, had forced the Islamic Republic into serious retreats and were opening the way for further advances. Organised

sectors of society were preparing themselves for broader and more mass-based struggles, for intervention in political conditions and struggle for power, while the working class, through its organised protests, stood at the centre of these changes. The introduction of weapons into mass protests by the forces of the dark-scenario camp, and the regime’s encounter with repressive response, stamped a seal of military on this powerful political-social movement of the people. In the context of a war environment and the war propaganda of the United States and the Islamic Republic, this will, albeit temporarily, push back the struggle of the working class and freedom-seeking people for freedom and welfare, which had reemerged through the wartime atmosphere and the Islamic Republic’s rhetoric of “defence of the homeland” following Israel’s attack and the twelve-day war.

The attacks and killings of protesters, the arbitrary, manipulated, and one-sided dissemination of news about the protests, threats and intimidation, mass arrests, and finally government-orchestrated demonstration campaigns and declarations of “victory” by military officials reflect only fragments and partial images of events. The war and its various fronts are far broader, more multidimensional, and more extensive than what is portrayed by the Islamic Republic’s official media and the propaganda apparatuses of other states and powers.

Meanwhile, the revival of the regime’s internal opposition under the banner of “democratic transition,” and the reduction of the people’s radical demands to the removal of the Supreme Leader and a redistribution of power among elites, is a cowardly attempt to preserve the foundations of the ruling economic-political system with minimal changes, in the hope of securing a share of power. This attempt, which has taken various forms over recent years, has failed repeatedly and today has less chance than ever of drawing strength from the people.

Confronting these two reactionary camps stands the camp of freedom in Iran, especially the working class. This is a camp that, to achieve freedom and exercise direct determination over its destiny, must not only overthrow the Islamic regime but also sever the influence of all reactionary powers and forces from its present and future.

Today, the open support of these forces for an Israel–US attack on Iran, their calls for dragging people into a too-early war, and their transformation of mass protests into street warfare with repressive forces leave no doubt about their hostility toward the people’s radical, freedom-seeking, and revolutionary movement. Like the ruling bourgeoisie, these forces regard the working class and freedom-seeking people, and their radical, united, organised, and structured struggles under the banner of freedom, equality, welfare, and rule of the councils, as their main enemy. These forces’ arena is not mass uprising and revolution, but rather the preparation of conditions for bloodshed over these uprisings and revolution and the marginalisation of the people’s radical and revolutionary protest and above all, that of the working class.

Today, even for the most unconscious members of society, it has become clear that the revolutionary overthrow of the Islamic Republic and the seizure of political power by the people and their organs of action cannot and will not occur through reactionary states and their allies and proxies in the opposition, nor through the victory of this reactionary camp over the Islamic Republic.

Iran is the bearer of decisive transformations. Alongside the scenario of war and collapse (the dark scenario), the scenario of the overthrow of the Islamic Republic through a freedom-seeking revolution by the people remains one of the real possibilities.

The “collapse of the Islamic Republic”, whether with the help of US bombers or proxy forces of Israel, is the shared scenario of the reactionary camp. It would result in nothing but the transformation of Iran into a battlefield among the remnants of the Islamic Republic, defenders of “territorial integrity”, nationalist forces demanding “federalism of different nations”, and their criminal gangs, from the IRGC and Basij to the “Javidan Guard”, “Resistance Units”, “Kurdish National Guard”, “Jaish al-Adl”, “Harakat al-Nasr”, “Mohammad Rasulollah Group”, and others.

The Islamic Republic is neither Mohammad Reza Pahlavi’s regime, which stepped aside at America’s command, nor Bashar al-Assad, who fled to Russia, nor the Eastern European governments that easily gave in to such scenarios. The collapse of the Islamic Republic would lead to a long-term, possibly permanent internal war, to a combination of military fiefdoms, foreign occupation, and ethnic and religious fragmentation of Iran. This is a scenario that we have witnessed in Yugoslavia, Afghanistan, Rwanda, Somalia, Yemen, Syria, and Libya.

The collapse of the Islamic Republic is the recipe for dragging Iran’s society of 90 million into ruin. The Islamic Republic, as the leader of a reactionary movement that came to power in the name of a revolution through its defeat, and that for over four decades has imposed itself as a regional pole of reaction amid crises, wars, and global and regional rifts, will, if not overthrown by a popular movement, bring the entire society down with it in its collapse.

The massacres and atrocities that occurred in Iran on 6 and 7 of January were a moment in the process of the “collapse of the Islamic Republic”, part of the dark scenario that could determine the fate of 90 million people for months and years to come. A scenario that, by trapping the people between the warring forces of reaction, from the Islamic Republic to the dark-scenario forces in the opposition, would lead to the destruction of millions of lives in Iran.

The only force capable of forcing the Islamic Republic into retreat, and one that has done so repeatedly, including during the “Woman, Life, Freedom” movement in response to many of women’s demands, is the popular movement: the women’s liberation movement, the labour movement, and the direct, face-to-face, unmediated struggle of the people, youth, and working population of Iran.

The only process capable of transferring society’s fate to the people and their organs of action through the overthrow of the Islamic Republic is a freedom-seeking, working-class revolution. This is the process Iranian society has been undergoing since the 2022 uprising and the people’s freedom movement. A movement that has so far defeated and sidelined all regime’s internal oppositions; a movement that neither US and Israeli war against Iran, nor economic sanctions and the starvation of the people, nor manufactured



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

## تماس با حزب

دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

[mohammed.raasti1954@gmail.com](mailto:mohammed.raasti1954@gmail.com)

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

[amotlagh28@gmail.com](mailto:amotlagh28@gmail.com)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)  
Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist\_official\_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

“regime change”, “colour revolution”, or “alternative-making” projects have been able to defeat. A movement that could, and can, open its path, advance and be victorious in a united and organised manner, from the centres of production to the streets, under the banner of welfare, freedom, and rule by the councils.

In this turbulent and decisive period, urgent and serious tasks are on the agenda of the Hekmatist Party (Official Line), communist workers, and freedom- and equality-seeking activists and leaders of social movements. The most important of these tasks are:

1.Preventing the realisation of the dark scenario, which today has effectively become a dangerous game involving the United States, Israel, the Islamic Republic, and their proxy forces.

2.Raising awareness and preparation of the people in defence of their existing achievements and in protection of their security and lives against attacks by any reactionary force, from the Islamic Republic to neo-Pahlavists, the Mojahedin, and the Kurdish National Guard, ....

3.The formation of mass organisations, especially independent workers’ organisation and neighbourhood councils, to administer, control, and protect the life and security of society in workplaces and places of residence.

4.Unification and connection of networks of workers, civil, and social leaders and activists in workplaces and communities—from factories to schools, universities, hospitals, and neighbourhoods for coordination, solidarity, and united nationwide struggle under a radical and revolutionary banner.

5.The formation of a nationwide central leadership body (“Leadership Headquarters”), composed of independent workers, civil, and social organizations and networks of workplace and community leaders, based on the clear and radical demands present in society, which:

\* Firstly, shatters the reactionary efforts of the dark-scenario gangs.

\* Secondly, prevents the transformation of the arena of revolutionary struggle into warfare among reactionary forces.

\* Thirdly, prevents the impoverished masses from being dragged into an unequal and premature war, opening the gates for criminal militarists and repressors slaughter the youth and people who detest and have risen against the Islamic Republic.

This is the force that can prevent Iran from becoming Libya, Yugoslavia, or Somalia. This is the force that, by overthrowing the Islamic Republic through its own freedom-seeking, working-class revolution, can become a point of hope in the dark world that the bourgeoisie has constructed for humanity.

**Hekmatist Party (Official Line)**

**14January 2026**